

# راهکارهای تجار

## در رویارویی با سرمایه‌های بیگانه

### پیش از انقلاب مشروطیت

سهیلا ترابی فارسانی

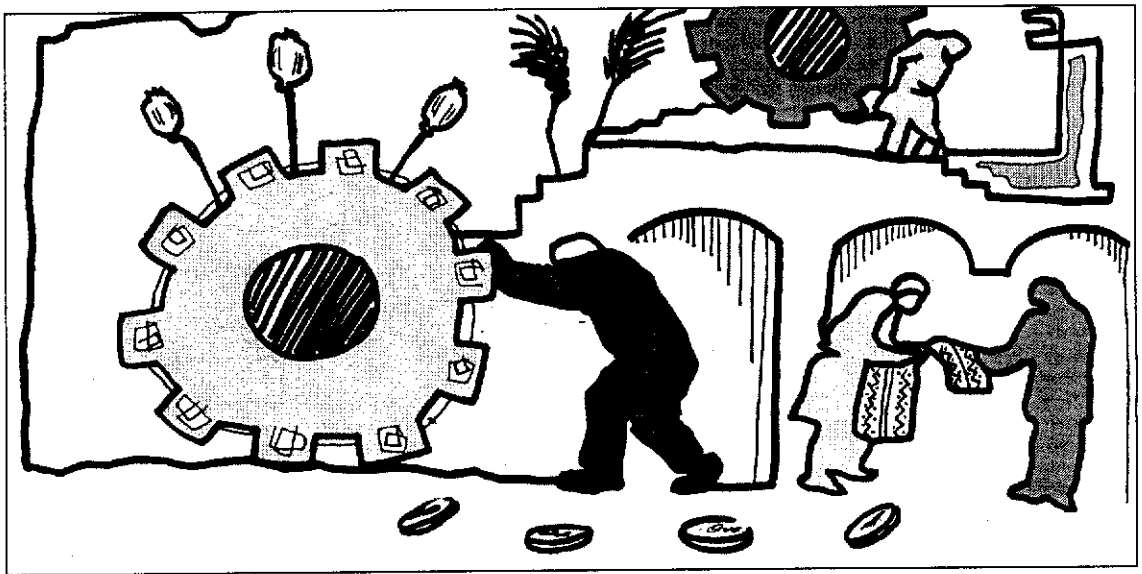
«قسمت اول»

سرمایه‌ها وجود داشت، بلکه هیچ عنصر بازدارنده و مانعی نیز مقابل این تعدیها وجود نداشت. عدم وجود قانون و نظم و محاکمی که حافظ امنیت مالی و جانی افراد باشد، از عوامل دیگر آشفتگی اجتماعی بود. «اطمینان عامه به امنیت و امنیت به قانون حاصل می‌شود... حالیه کسی داخل کاری نمی‌شود و خرجی که نفع عامه در آن باشد، نمی‌کند.»<sup>۱</sup> در گزارشی از جلسه‌های انجمن مخفی پیش از اعلان مشروطیت به نبود قانون اشاره می‌شود که باعث ناکامی شرکتی‌هایی شد که برای رواج امتعه ایران تلاش می‌کردند: «حالا اگر قانون بود و مجازات و مکافات می‌دادند و نمی‌گذاشتند پول مردم تفریط شود چه قدر شرکتها و انجمن‌های تجاری

آشفتگی و عدم امنیت اجتماعی، موجب دو تهاجم مختلف به سرمایه و اموال تجار شد، یکی از جانب فرادستان جامعه یعنی حکام ایالات و وابستگان دربار و دیگری از سوی فرودستان یعنی راهزنان و دزدان و نیروهای ایلی که به دلایل مختلف به غارت کاروانها و اموال تجاری می‌پرداختند. هر دو نیروی گریز از مرکز مهاجم، بر آشفتگی و عدم تمرکز سیاسی می‌افزودند و تجار خواهان ایجاد حکومت مرکزی قوی بودند تا بتوانند از آنان در مقابل نیروهای مهاجم حمایت کنند. نمونه‌های فراوانی از شکایات مردم به حکومت مرکزی وجود داشت؛ شکایت مردم نهاوند و بروجرد به دولت مرکزی از تعدی عشایر دلفان به قافله‌های بازرگانان از این نمونه بود.<sup>۱</sup>

حمله ایلی‌ها به کاروان‌های تجاری، ناامنی راهها، شورش‌های مداوم خوانین و حکام محلی، سلطه کامل قدرت مرکزی بر جوامع شهری و روستایی را که از عوامل عمده رشد سرمایه و تجارت محسوب می‌شود، مانع می‌شد.<sup>۲</sup> طمع حکام و شاهزادگان بر اموال تجار، مصادره املاک و دارایی آنها،<sup>۳</sup> قروضی که باز پس داده نمی‌شد، همه باعث دلسردی و عدم اعتماد تجار می‌شد، به طوری که مجدالملک وجود این ظلم‌ها را باعث آن می‌داند که «تجار و اهل جرف و صنعت آن از خیال کسب افتاده و هم آنها واحد شده جز تحصیل قوت یومیه به هیچ کار نمی‌توانند پرداخت.»<sup>۴</sup> حاج سیاح هم به خطری که از جانب دولتیان، اموال و املاک افراد را تهدید می‌کند، اشاره دارد.<sup>۵</sup> نه تنها این تهاجم‌ها به اموال و

\* - دکترای تاریخ و عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی  
 ۱- محمدتقی سپهر (لسان‌الملک)، ناسخ‌التواریخ، تهران، اسلامیه، ۱۳۴۴، ج ۴، ص ۲۲.  
 ۲- احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، زمینه، تهران، ۱۳۵۹، ص ۴۱-۴۰.  
 ۳- مجدالملک سبنکی، رساله مجدییه، تصحیح سعید نفیسی: [بی‌نا]، تهران، ۱۳۲۱، ص ۲۵.  
 ۴- همان، ص ۶۱.  
 ۵- سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت. به کوشش حمید سیاح، ابن‌سینا، تهران، ۱۳۴۶، ص ۲۲۶.  
 ۶- مهدی قلی‌خان هدایت، خاطرات و خطرات، زوار، تهران، ۱۳۲۹، ص ۸۱-۸۰.



داخلی محسوب می‌شد، و اعتراض تجار را برمی‌انگیخت. تجار در نامه‌ای می‌نویسند: «دولتیان هرگونه تعدی که خواستند کردند، مؤاخذه نشدند و هر که می‌گوید، مردم را می‌چاپیم، انتهای مراتب مرا معزول می‌فرمایند... چرا مال مردم را می‌گیرند؟»<sup>۱۲</sup>

تسلط نداشتن حکومت مرکزی بر امور و عدم برنامه‌ریزی، نظم و قانون از خصوصیات دیگر دولت در این دوران است. علاوه بر آن به دلیل ضعف حکومت مرکزی و وابستگی دولت به قدرت‌های بزرگ سیاسی و تحمیل وام‌ها، استقراض‌ها و امتیازهایی که به اجبار

۷- ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، بخش اول، به کوشش علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، آگه، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۵۶.

۸- همان، بخش اول، ص ۲۵۵.  
 ۹- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سرجان ملکم، تاریخ ایران، ج ۲، به کوشش محمد اصفهانی، سعدی، تهران، ۱۲۴۶، ص ۲۲۷-۲۲۶؛ و نیز خاطرات حاج سیاح، ص ۵۴۸.

۱۰- چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، گستره، تهران، ۱۳۶۲، ص ۱۱۴.

۱۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، آگه، تهران، ۱۳۵۶، ص ۳۰۰-۲۹۹؛ فریدون آدمیت، شورش بر امتیازنامه رژی، پیام، تهران، ۱۳۶۰، ص ۱۳-۱۲؛ فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، خوارزمی، تهران، ۱۳۴۸، ص ۴۰۸.

۱۲- آدمیت، افکار اجتماعی و...، ص ۳۰۱.

تشکیل می‌یافت.<sup>۷</sup> و در جایی دیگر عنوان می‌شود: «باری چون قانون جاری نیست اگر امروز مردم به کاری اقدام کنند فردا کسی دیگر آن کار را خراب خواهد کرد. به این جهت مردم امنیت و اطمینان ندارند.»<sup>۸</sup>

عدم هماهنگی احکام شرع و عرف، آشفتگی وضع قضایی<sup>۹</sup> و عدم وجود قانونی ثابت و مشخص در دعاوی مالی از عوامل دیگر درون جامعه‌ای دوران قاجار محسوب می‌شود که با اساس اقتصاد بازرگانی و امنیت سرمایه مغایرت داشت. علاوه بر مسائل گفته شده، گسترش روابط تجاری، و نفوذ سرمایه‌های بیگانه که منجر به در دست گرفتن بازارهای ایران می‌شد، موجب نارضایتی تجار گردیده، واکنش‌هایی را در آنان برانگیخت، از جمله تحریم چای در سال ۱۲۵۷/۱۸۴۱ که تجارت آن در دست تجار روسی بود و تجار ایرانی از آن سود نمی‌بردند.<sup>۱۰</sup> و نیز هجوم سیل‌آسای پارچه‌های انگلیسی که منجر به اعتراض‌ها و شکایاتی به دولت شد تا از ورود این کالاها به کشور جلوگیری کند.<sup>۱۱</sup> شاید شرکت فعال صنف بزاز در حوادث مشروطیت بی‌ارتباط با مواردی از این قبیل نباشد.

سیاست دولت بجز در دوران محدود امیرکبیر، سیاست حمایت از اجناس داخلی نبود. دولت در امور تجاری، مالی و گمرکی نه تنها نقش فعال، مثبت و به سود سرمایه‌های ملی نداشت، بلکه مصادره اموال تجار به دست حکام ایالات و ضبط املاک و عدم امنیت مالی سرمایه‌داران خود مانعی در جهت رشد سرمایه‌های

شرکت عمومی تجارتي برای ترويج متاع  
و زراعت تنباکو و توتون ممالک ايران  
در شعبان ۱۳۱۱ در اصفهان به همت  
حاج محمدحسن امين‌الضرب، حاجي محمد  
صدر ملک التجار اصفهان با همکاري و  
موافقت ظل‌السلطان و صلاح‌ديد امين‌السلطان  
و ميرزا علي اصغرخان امين‌الدوله و پشتيباني  
و مشارکت آقا محمدتقي نجفي، تأسيس شد.

می‌داند که به سه عنصر «سرمایه، کارگر و مصالح»  
مرتبط است.<sup>۱۶</sup>

تجار برتری اقتصاد اروپاییان را به صورت راز و رمز  
قلمداد می‌کردند و برای مقابله با هجوم کالاهای غربی به  
کشور امید داشتند که بتوانند «حیله‌های تجارت»  
اروپاییان را بیاموزند. یکی از این «حیله‌ها» به کار گرفتن  
سرمایه‌های کوچک و راکد در دست مردم و ایجاد  
شرکتهای سهامی گسترده و ایجاد کمپانی‌ها بود.<sup>۱۷</sup> تجار  
در اجرای این امور و انتقال خواسته‌های خود به بدنه  
جامعه از نفوذ روحانیون و تأیید و همراهی آنها نیز  
استفاده می‌کردند. تاجر بزرگی همچون محمدحسن  
امين‌الضرب از طریق آشنایی با غرب و تجارتخانه‌های  
خارجی مقیم ایران با شیوه‌های تجارت نوین آشنا شده و  
به تشکیل کمپانی پرداخت. برخورد امين‌الضرب با غرب  
و تأثیراتی که گرفت موجب شد در زمینه‌های جدید مثل  
راه‌آهن و کارخانه نیز سرمایه‌گذاری کند. وی از طریق  
افزایش سرمایه‌اش به یکی از ثروتمندترین تجار  
عصر خود بدل شد. سرمایه او را به مبلغی بالغ بر

شرایطی را بر دولت تحمیل می‌کرد، دولت نه تنها  
حمایتی از سرمایه‌های داخلی نمی‌کرد، بلکه در مواردی  
هم در صف مقابل آن قرار داشت. برای مثال می‌توان از  
اتحادیه صرافها و تجار که برای مقابله و متزلزل کردن  
اعتبار بانک شاهنشاهی ایجاد شده بود، نام برد. آنان مردم  
را وادار کردند به بانک هجوم آورده، اسکناسهای خود را  
به پول نقره تبدیل کنند<sup>۱۳</sup> و چون نقدینه بانک محدود  
بود قطعاً دچار اشکال عمده‌ای می‌گردید، اما این غایله با  
دخالت دولت و همکاری اعیان و اشراف و پرداختن  
وجوهی به بانک خنثی شد.<sup>۱۴</sup> به رغم تمامی مصایب و  
مشکلات یاد شده، تجار در دو زمینه به فعالیت  
پرداختند، یکی در زمینه سرمایه‌گذاری در بخش‌های  
مختلف صنعتی، تجاری و خدماتی، و دیگری در زمینه  
ایجاد شکل‌های گروهی و افزایش نقش سیاسی؛ که در  
این مقاله به تشریح فعالیت‌های جدید تجاری در جهت  
راهیابی تجار برای مقابله با هجوم سرمایه‌های بیگانه  
خواهیم پرداخت.

### تشکیل شرکتهای تجاری - مالی

پیروزی و موفقیت اروپاییان در امور تجاری و  
پیشرفت‌های علمی و فنی آنها در صنعت که به برتری و  
تسلط آنها بر نیض اقتصادی، مالی و تجاری دنیا منجر  
شد، قشری از تجار ایرانی را به فکر انداخت تا با  
بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تجاری از شکل فردی بازار  
سنتی خارج شوند و به صورت گروهی و با ترکیب جدید  
سرمایه‌گذاری بتوانند از سرمایه‌های کوچک نیز بهره  
گیرند. آنان تأسيس شرکت‌ها یا کمپانی‌های مالی و  
تجاری را به عنوان راه‌حلی در مقابل نفوذ و هجوم  
اقتصادی قدرت‌های خارجی برگزیدند و بدین ترتیب  
شرکت‌ها و تجارتخانه‌های جمعی خارج از بازار  
می‌توانست جایگزین حجره‌های کوچک و تنگ درون  
بازار شود. روشنفکران نیز با بهره‌گیری از آگاهی و آشنایی  
نسبی خود از غرب سعی کردند از طریق روزنامه‌ها  
آگاهی‌های لازم در مورد شیوه مدرن تجاری را در اختیار  
تجار قرار دهند و به فعالیتهای آنها سمت و سوی لازم را  
بدهند. میرزایعقوب خان پدر میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله  
«ایجاد شراکت و کمپانی» را در بهبود راهها، حمل و نقل،  
پست، ایجاد اشتغال و کسب منفعت بیشتر، یک  
ضرورت می‌دانست.<sup>۱۵</sup>

یکی از اصلاح‌طلبان عصر ناصری در رساله خود به  
نام سیاست مدن به لزوم افزایش سرمایه از طریق تشکیل  
کمپانی تأکید نموده و این امر را موجب توسعه صنایع

۱۳- کاساکوفسکی، خاطرات کاساکوفسکی، ترجمه عباسعلی

جلی، سیمرخ، تهران، ۱۳۴۴، ص ۲۵-۲۱ و ۲۰۴-۱۹۸.

۱۴- نگاه کنید به: حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، خاطرات

و اسناد حسین قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، به کوشش معصومه

مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، نشر تاریخ

ایران، تهران، ۱۳۶۲، ص ۲۴۷-۲۴۶.

۱۵- فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر

سپهسالار، خوارزمی، تهران، ۱۳۵۱، ص ۴۷-۴۶.

۱۶- خان خانان، سیاست مدن، تحریر ۱۳۱۴، رساله خطی،

(دانشگاه تهران)، نقل شده از آدمیت، افکار اجتماعی، ص ۲۴۹.

۱۷- آرمینیوس وامسری، زندگی و سفرهای وامسری (دنباله)

سیاحت درویش دروغین)، ترجمه محمدحسین آریا، علمی و

فرهنگی، تهران، ۱۳۷۲، ص ۹۶.

تجار برتری اقتصاد اروپاییان را به صورت

راز و رمز قلمداد می‌کردند و برای مقابله

با هجوم کالاهای غربی به کشور امید داشتند

که بتوانند «حیله‌های تجارت» اروپاییان را

بیاموزند. یکی از این «حیله‌ها»

به کار گرفتن سرمایه‌های کوچک و راکد

در دست مردم و ایجاد شرکت‌های سهامی

گسترده و ایجاد کمپانی‌ها بود.

تقدیر یا خشم الهی قلمداد می‌کرد و رفع آن را به دعا و نذر و استغاثه به درگاه الهی مرتبط می‌نمود.<sup>۲۱</sup> تاجر متوسط بازار در قرن نوزدهم از تجزیه و تحلیل دقیق و اصولی موقعیت خود عاجز بود، و نه تنها نمی‌توانست قوت و ضعف‌ها را بازشناسد که تمامی این رقابت نابرابر با اروپایی‌ها را مملو از راز و رمزهای حیرت‌انگیزی می‌دانست که وی باید تلاش خود را برای کشف «حیله‌های تجاری» آنها به کار گیرد.

در این میان روشنفکران سعی در ارائه طریق برای «راه تجارت» کشور داشتند و با بیان طرح‌های گوناگون به تجار ارائه روش می‌کردند. از توصیه‌های آنها رواج قانون، توسعه صنایع، ایجاد راه آهن، گسترش راه‌های ارتباطی، پیشرفت علم، دانش، فن‌آوری و توسعه فرهنگی از طریق افزایش مدارس و تدریس دروس مفید و ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری بود. روشنفکران به تبلیغ دیدگاه‌های خود در روزنامه‌ها می‌پرداختند و گاه این فعالیت‌های تبلیغی به حدی بود که نمایندگی این شرکتها را نیز می‌پذیرفتند. به‌طور مثال مؤیدالاسلام مدیر روزنامه حبل‌المتین و میرزا علی محمدخان کاشانی مدیر روزنامه ثریا که به اتفاق میرزا محمدجواد مشکو تاجر اصفهانی امور شرکت اسلامی در کلکته و مصر را به عهده داشتند.<sup>۲۲</sup> به این ترتیب تأسیس شرکتها و مؤسسه‌های تجاری به‌صورت یک کار گروهی در بین تجار و گاه با همکاری دیگر گروهها متداول گشت که در اینجا به معرفی نمونه‌هایی از آنها خواهیم پرداخت:

18- A. Ashraf and H. Hekmat. "Merchants and Artisans Nineteenth - 35. and the Developmental Processes of Century Iran", p: 734

19- Mahdavi, shireen, Haj Mahammad Hassan AminAlzarb and His world: A case study of social Mobility in Qajar Iran, (utah university, 1998), p: 124-126.

۲۰- هما ناطق، بازرگانان در دادوستد با بانک شاهی و رژی تنباکو. توس، تهران، ۱۳۷۳، ص ۲۴۵-۲۴۴.

۲۱- برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به مجموعه نامه‌های علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، که در آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه موجود است. نمونه‌ای از این مجمرعه: نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۱۲، نمره ۲۴۷، (آر.ا.ت). در این مقاله از علایم اختصاری زیر استفاده شده است: آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه: (آر.ا.ت)؛ آرشیو خصوصی امین‌الضرب: (آر.ا.ض) و مرکز اسناد بنیاد مستضعفان: (م.ا.ت).

۲۲- «اخطاریه و کتابچه قواعد شرکت اسلامی اصفهان»، (آر.ا.ض)، نقل شده از: هما رضوانی، رساله تاریخیچه شرکت اسلامی اصفهان، پژوهشکده فرهنگ ایران، خرداد ۱۳۶۵.

۲۵ میلیون تومان تخمین زده‌اند.<sup>۱۸</sup> وی مخالفتی با ورود کالاهای غربی نداشت چرا که اشراف، ثروتمندان و درباریان متمول خریدار اجناس لوکس و تجملی بودند که وی از اروپا وارد می‌کرد.<sup>۱۹</sup>

در برخورد با تأسیس شرکتها دو گرایش متمایز در بین تجار قابل تشخیص است؛ یکی از تعارضات درونی طبقه تاجر، اختلاف نظر بین تجار بزرگ و متوسط در خصوص واردات بود. به رغم آنکه در ایجاد شرکت‌های سهامی و افزایش سرمایه متفق و همسو بودند، ولی در برخورد با انواع اجناس وارداتی اختلاف نظر داشتند. تجار متوسط به دلیل کمبود سرمایه و وابستگی به بازارهای داخلی با ورود اجناس خارجی به کشور مخالف بودند. بدیهی است این گرایش‌ها به میزان سرمایه، نوع فعالیت تجاری، میزان نزدیکی با حاکمیت محلی یا دولت و به سطح و گستردگی ارتباطات تجار نیز مرتبط بود. بجز تعداد معدودی از تجار که سرمایه کلان و گستردگی ارتباطاتشان وسعت نظر بیشتری به آنها داده بود، بقیه که اکثریت تجار را تشکیل می‌دادند قادر به تجزیه و تحلیل درست و منطقی از مسائل اقتصادی نبودند.

در سطح مسائل خرد درون طبقاتی می‌توان گفت که تفکر اسطوره‌ای حاکم بر آن عصر، اجازه نگرش دقیق به نظام تجاری بین‌المللی و سازوکارهای حاکم بر آن را به تجار سنتی بازار نمی‌داد. تجار داخلی که سرمایه‌ای اندک در حد داد و ستدهای داخل کشور داشتند و صاحبان کارگاههای تولیدی کوچک از ورود کالاهای غربی به کشور ضرر بیشتری می‌دیدند، چرا که به لحاظ کمی و کیفی قادر به رقابت با اجناس خارجی نبودند. باورهای آمیخته به خرافات در آن عصر که شیوع و با را با پوشیدن لباسهای فرنگی، تراشیدن ریش، کفش‌های پاشنه نخواست، چارقد‌های قالبی و پوشیدن شلیته و دامن مرتبط می‌دانست،<sup>۲۰</sup> کساد بازار و نبودن پول را هم



کارگاه تریاک مالی - تصویر از سفرنامه مادام دیولافوا «ایران، کلد و شوش»

#### ۱- تجارتخانه تومانیانس

هاراطون تومانیانس در ۱۲۵۷/۱۸۴۰ مؤسسه تجاری خود را در تبریز افتتاح کرد و به تدریج فعالیت‌های خود را به کاروانسرای امیر در تهران گشاند. او تاجری ارمنی بود و به روسیه خشکیار و پیله ابریشم صادر می‌کرد.<sup>۲۳</sup> بر اثر مسافرت‌هایش به روسیه با شیوه بانکداری آن کشور آشنا شد و به تدریج از ۱۳۰۹/۱۸۹۲ به بعد صرافی کار اصلی این تجارتخانه شد و قدرت مالی این مؤسسه به حدی شد که شاه و درباریان از آن قرض می‌گرفتند.

امین‌السلطان برای پرداخت حقوق نظام دو کرور از امین‌الضرب و تومانیانس قرض گرفت.<sup>۲۴</sup> احمدشاه قاجار نیز از مشتریان این مؤسسه بود. بنگاه تومانیانس با توسعه امور بانکی رقیب بانکهای شاهنشاهی و استقراضی شد. تومانیانس به خرید و فروش ارز، افتتاح حساب جاری، پرداخت وام و بازپرداخت ۶ درصد سود به سپرده‌ها می‌پرداخت. این بنگاه در حوادث مشروطیت حضور فعال داشت و کمکهای مالی بسیاری برای استقرار مشروطیت انجام داد. وارد کردن اسلحه و مهمات برای مجاهدین از دیگر فعالیت‌های آنان بود.<sup>۲۵</sup> از آنجایی که بیشتر سرمایه شرکت در روسیه بود، بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به سرمایه آن لطمه فراوان وارد شد. در بین سهامداران شرکت موسیو الکساندرخان و موسیو هارطون اختلاف افتاد و مؤسسه نتوانست تعهدات مالی خود را انجام دهد و در پایان جنگ جهانی اول به دلیل

ورشکستگی، اموالش توقیف و مصادره شد. اموال مؤسسه ۱۷ میلیون منات تخمین زده می‌شد و شعبه‌های دیگر آن در مسکو، بادکوبه، ادسا، تفلیس، تبریز، رشت، قزوین، سبزوار و مشهد نیز ورشکسته شدند.<sup>۲۶</sup> علل ورشکستگی مؤسسه تومانیانس علاوه بر رقابت بانکهای خارجی با آن، درگیریها و اختلافات درونی مدیریت آن و تحولات سیاسی و اقتصادی روسیه بعد از انقلاب نیز بود، چرا که بیشتر سرمایه شرکت در روسیه مستقر بود و شعبه روسی شرکت معاملات وسیعی با وین، پاریس و مارسو داشت، ولی این تحولات بر کل فعالیت‌های شعب آن تأثیر گذاشت. عیسوی رابطه برادران تومانیانس با روس‌ها را بسیار خوب توصیف کرده

۲۳- تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران (۱۳۰۷-۳۷)، تهران.

بی‌تا، ص ۴۷؛ عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۶۷.

۲۴- نگاه کنید به عبدالحسین خان سپهر، یادداشت‌های ملک‌المورخین و مرآة الوقایع مظفری. به کوشش عبدالحسین نوایی، زرین، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۲۵.

۲۵- همان، ص ۲۳۳.

۲۶- برای آگاهی بیشتر در خصوص تجارتخانه تومانیانس نگاه کنید به: اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری، ص ۷۸-۷۷؛ تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، ص ۴۷؛ علی ماجدی و حسن گلریز، پول و بانک از نظریه تا سیاستگذاری، مرکز آموزش بانکداری، تهران، ۱۳۶۸، ص ۱۶۹؛ علی مشار، «تظلم تجارتخانه تومانیانس»، آینده، ج ۱۹، ش ۷-۹، ص ۷۸۴.

و حتی آنان را تبعه روسیه می‌نامد<sup>۲۷</sup> که این تلقی درست به نظر نمی‌رسد. رقابت تومانیانس با بانکهای مستقر در ایران و ایجاد اتحادیه‌ای مالی به همراه حاج لطفعلی اتحادیه، حاج باقر صراف و ملک‌التجار برای یورش به بانک شاهنشاهی نمی‌توانست به‌طور رسمی از سوی یک تبعه روسیه انجام شده باشد.

## ۲- کمپانی تریاک اصفهان

شرکت تریاک اصفهان در حدود سالهای ۱۲۷۸-۱۲۷۷/۱۸۶۲-۱۸۱۶ به همت آقامحمد مهدی ارباب‌اصفهانی و مشارکت تعدادی از تجار اصفهان تأسیس شد.<sup>۲۸</sup> تجاری شدن محصول تریاک و رواج کشت آن و افزایش تقاضای بین‌المللی برای مصرف این محصول، تجار ایرانی را به سمت تجارت این محصول کشاند. کار این شرکت جمع‌آوری، عمل آوردن، بسته‌بندی و صدور تریاک به بازارهای هنگ‌کنگ و انگلستان بود. شرکت سعی می‌کرد تمام صادرات تریاک را تحت نظارت درآورد و پس از بررسی مرغوبیت آن به مهر کمپانی ممهور کند تا از تقلب در صدور تریاک جلوگیری شود و شرکت بتواند از طریق نظارت مرغوبیت کسب اعتبار کند. با این حال شرکت با شکست مواجه شد. از عوامل شکست آن می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:<sup>۲۹</sup>

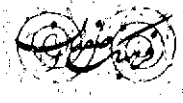
- ۱- ممانعت دولت از صدور تریاک با افزایش حق گمرک تریاک.
- ۲- رواج کشت خشخاش و تبدیل زمینهای گندم به تریاک و قحطی غله، کاه، علوفه و افزایش قیمت آنها، دولت را مجبور به اعمال فشار کرد.
- ۳- تقلب برخی از تجار در مخلوط کردن موادی همچون شکر سرخ، حنظل و سایر مواد در تریاک که همین امر محصول تریاک ایران را بدنام و تجارت آن را متزلزل کرد.
- ۴- حضور رقبای جهانی از جمله رقابت تریاک بنگال و ژاپن و کاهش تقاضای این محصول در چین، جنوب آفریقا و انگلستان.

۲۷- عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۶۷.

۲۸- نگاه کنید به: اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان ناصری، دارالطباعة دولتی، تهران، ۱۲۹۴، ج ۲، ص ۲۸۴.  
اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، اساطیر، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۴۴.

۲۹- محمدشفیع قزوینی، قانون قزوینی، به کوشش ایرج افشار، طلایه، تهران، ۱۳۷۰، ص ۱۰۲؛ جرج. ن. کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۵۹۵.





### ۳- شرکت امینه

این شرکت در سال ۱۸۲۲/۱۳۰۰ به همت مشهدی کاظم امینه در تهران تأسیس شد. در ابتدا شرکت در صدد گرفتن امتیازاتی از ناصرالدین شاه برآمد و از دولت خواست صدور تنباکوی ایران به عثمانی را به آنها واگذار کند و در عوض آنان در سال مبالغی به دولت بپردازند، ولی این امتیاز به شرکت داده نشد. پس از مدتی شرکت به دلیل ناتوانی در رقابت با شرکتهای خارجی و عدم توازن در امور مالی و اختلاس بعضی از اعضای شرکت رو به ورشکستگی رفت. زمینه‌های فعالیت شرکت به درستی مشخص نیست. در هنگام مرگ مشهدی کاظم امینه در سال ۱۸۹۲/۱۳۰۹ شرکت، پولی برای پرداخت بدهی‌های خود نداشت.<sup>۳۰</sup>

### ۴- کمپانی تجارتي ایران

این شرکت در سال ۱۸۸۵/۱۳۰۲ به همت آقامحمدخان شفیق و تعدادی از تجار بوشهر تأسیس شد و در مجلس تجارت بوشهر به ثبت رسید. سرمایه شرکت ۳۵۰ ۰۰۰ تومان بوده است. ولی حوزه‌های فعالیت شرکت به درستی معلوم نیست.<sup>۳۱</sup>

### ۵- تجارتخانه جمشیدیان

تجارتخانه جمشیدیان به منظور تجارت منسوجات به همت ارباب جمشید جمشیدیان از تجار زرتشتی یزد، در سال ۱۸۸۷/۱۳۰۴ تأسیس شد. این تجارتخانه به تدریج به سمت کارهای صرافی رفت و پس از مدتی اعتبار بسیاری یافت. ارباب جمشید با دربار رابطه نزدیکی یافت و به لقب رئیس‌التجاری زرتشتیان منصوب شد و واسطه خواسته‌های آنها با دربار شد.<sup>۳۲</sup> جمشیدیان امور حمل و نقل کالا در کشور به خصوص امور گاریخانه‌ها و حمل و نقل اسبی در شهرهای تهران، قم، کاشان، اصفهان و جنوب کشور را به عهده گرفت.<sup>۳۳</sup> اما بیشتر اهمیت تجارتخانه جمشیدیان در فعالیتهای صرافی آن بود که تقریباً از حدود سال ۱۸۴۸/۱۲۶۵ آغاز شد و با پرداخت وامهای بلندمدت و کوتاه مدت اعتبار زیادی در بین مردم به دست آورد. شعبه‌هایی در شیراز، کرمان، یزد و نمایندگی‌هایی در بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس داشت. این تجارتخانه پس از کسب رونق و اعتبار به ملکداری رو آورد و املاک بسیاری در تهران، فارس و خراسان خریداری کرد و بدین منظور مبالغ بسیاری از بانکهای استقراضی و شاهنشاهی وام گرفت که قادر به بازپرداخت آن نشد و بانک نیز مهلت بازپرداخت را تمدید نکرد.

### ناصرالدین شاه پس از واگذاری امتیازنامه

کارون به برادران لینچ، امتیاز کمپانی ناصرى را که نوعی شراکت در امتیاز کشتیرانی در کارون بود در سال ۱۸۹۰/۱۳۰۷ به معین‌التجار بوشهری واگذار کرد. اما از آنجایی که شرکت ناصرى قدرت رقابت با لینچ را نداشت در ۱۸۶۳/۱۳۱۰ دست از فعالیت برداشت و امتیاز خود را به برادران لینچ واگذار کرد.

این تجارتخانه به دلیل اهدافی چون تأسیس بانک ملی به کمک پارسیان هند و رقابت با بانکهای اروپایی و مقابله آنها با فعالیتهای آن و به دلیل سوء مدیریت در امور مالی قادر به ادامه فعالیتهای خود نشد.<sup>۳۴</sup>

### ۶- شرکت اتحادیه

شرکت اتحادیه در سال ۱۸۸۸/۱۳۰۵ به همت گروهی از صرافان و تجار از جمله حاج علی کوزه‌کنانی و برادران، حاج سید مرتضی صراف، حاج لطفعلی صراف و تعدادی دیگر تشکیل شد. شعبه اصلی این شرکت در

۳۰- نگاه کنید به: جمالیزاده، گنج شایگان، ص ۹۸: عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۶۵؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، امیرکبیر، تهران، ۱۳۵۰، ص ۸۰۳.

۳۱- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، ص ۹.

۳۲- آبراهم وینایمز جکسن، سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، خوارزمی، تهران، ۱۳۶۹، ص ۴۷۹.

۳۳- عبدالله بهرامی، خاطرات عبدالله بهرامی از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۶۳، ص ۲-۳۳۱.

۳۴- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، ص ۵۳-۵۱؛ علی ماجدی و حسن گلریز، پول و بانک از نظریه تا سیاستگذاری، ص ۱۷۱-۱۷۰.

۳۵- در تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، تاریخ تشکیل شرکت، سال ۱۸۹۷/۱۳۱۵ ذکر شده اما در میان نامه‌های موجود در آرشیو اتحادیه نامه‌هایی از حاج لطفعلی نماینده شرکت در تهران به سال ۱۳۱۲ موجود است. بنابراین همان تاریخ ۱۳۰۵ هجری که در گنج شایگان ذکر شده است، صحیح است (نگاه کنید به: تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، ص ۵۵-۴۸)؛ محمدعلی جمالیزاده، گنج شایگان، کاوه، برلین، ۱۳۳۵، ص ۹۸.

## ۷- کمپانی ناصری

ناصرالدین شاه پس از واگذاری امتیازنامه کارون به برادران لینچ، امتیاز کمپانی ناصری را که نوعی شراکت در امتیاز کشتیرانی در کارون بود در سال ۱۳۰۷/۱۸۹۰ به معین‌التجار بوشهری واگذار کرد. بر اساس فصل اول امتیازنامه، ده هزار ذرع زمین متصل به گمرک‌خانه به طور مجانی به کمپانی واگذار می‌شود که تعدادی عمارت مطابق با نقشه کمپانی لینچ بنا نماید و به لینچ اجاره دهد. همچنین طبق فصل دوم امتیازنامه، شرکت ناصری موظف به تأسیس اسکله، کاروانسرا، مغازه و راه شوسه بین اسکله‌ها شد که گاریهای بارکش متعددی به جهت حمل و نقل مال‌التجاره داخله و خارجه حاضر داشته باشد. همچنین ملزم به ایجاد خط آهن تراموایی شد که زمین آن از سوی دولت به طور مجانی در اختیار آن قرار می‌گرفت. فصل سوم راجع به امتیاز کشتیرانی در کارون علیا بود که قسمت سفلی آن به شرکت لینچ داده شده بود. در فصول بعدی امتیاز، ساختن راه شوسه و امتیاز بهره‌برداری از معدن زغال سنگ واقع در «خاک خانگی بختیاری» به شرکت واگذار شده و در ازای آن ۲۰ درصد از درآمد آن می‌بایست به دولت واگذار شود.<sup>۴۰</sup> کرزن اعطای امتیاز به شرکت ناصری را اقدامی بر ضد امتیاز برادران لینچ و آن را اتحاد تجار و دولت در مقابل کمپانی می‌داند<sup>۴۱</sup> و هم‌ناطق آن را «سیاست دولت برای خرسند کردن تجار و حکام محلی و حالت غیر وابسته و ملی دادن به اعمال خود» می‌داند.<sup>۴۲</sup> اما در واقع امتیازاتی که تجار از حکومت به دست می‌آوردند حاصل تلاش آنها برای جلب نظر دولت، مقابله با نفوذ بیش از حد خارجی‌ها و رقابت با آنها در همه زمینه‌های سرمایه‌گذاری بود. تجار برای حفظ منافع طبقاتی خود،



پل معلق لینچ در راه اصفهان - خوزستان

(عکس از کتاب The English Amongst the Persians)

تبریز بود. علاوه بر آن در تهران نیز شعبه داشت که سرپرستی آن را حاج لطفعلی صراف و پسرش رحیم به عهده داشتند. در ابتدا این شرکت به منظور مقابله با عملیات بانک شاهنشاهی و در اندیشه ایجاد بانک و فعالیتهای صرافیه به وجود آمد. سرمایه شرکت در سال ۱۳۱۵/۱۸۹۷ بالغ بر صد هزار تومان بود.<sup>۳۶</sup> شرکت در سال اول تأسیس مقدار زیادی از اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را جمع‌آوری کرده و برای تعویض با وجه نقره به بانک عرضه کرد و چون بانک قادر به پرداخت قران نقره نشد ارزش اسکناس‌های آن ۳۰ درصد تنزل کرد. بانک به ناچار شرکت را در تجارت نقره با خود سهیم کرد.<sup>۳۷</sup> حاج لطفعلی نماینده شرکت در تهران بعد از فسخ قرارداد خود با شرکت پس از مدتی با همان نام شرکتی در تهران تأسیس کرد که با شرکت‌های مسعودیه، محمدیه و دیگر کمپانی‌ها، مراوده مالی - تجاری یافت و به تدریج در امر قماش و دیگر کالاها فعال شد.<sup>۳۸</sup> شعبه تبریز به دلیل شرایط بد اقتصادی در سال ۱۳۳۱ قمری تعطیل شد. شرکت اتحادیه در تهران تا زمان فوت حاج رحیم در سال ۱۳۱۳ شمسی برقرار بود.<sup>۳۹</sup> علت شکست شرکت صرافیه اتحادیه در تبریز به احتمال زیاد ناتوانی این مؤسسه در رقابت با بانک شاهنشاهی بود و دلیل عدم فعالیت شرکت اتحادیه در تهران بعد از فوت حاج رحیم آن بود که نسل بعد از این گروه از تجار کمتر به سمت تجارت رفتند و بیشتر آنها برای طی دوره تحصیلی به خارج از کشور فرستاده شدند. ازدواج‌هایی در خارج از کشور کردند و از فرهنگ تجاری - سنتی بازار فاصله گرفتند.

36- Picot. H, Biographical Notices of Members of the Royal Family. Notable, Merchant and Clergy, (1897), p:114.

۳۷- تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران، ص ۵۳.

۳۸- نامه شرکت اتحادیه به کمپانی مسعودیه، ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۱۶، نمره ۱۶/۲۴؛ نامه شرکت اتحادیه به کمپانی محمودیه، ۱۷ ذی‌عقده ۱۳۱۷، نمره ۱۶/۱۰۱، (آر.ا.ت).

۳۹- اتحادیه، مسائل صرافیه از خلال...، ص ۱.

۴۰- فرمان ناصرالدین شاه در اعطای امتیاز به معین‌التجار» شعبان ۱۳۰۷، ۱۱۶۶۹۲ - ق، (م.ا.ب).

۴۱- جرج، ن. کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ص ۴۶۴-۴۶۳.

۴۲- هم‌ناطق، بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی...، ص ۲۱.





که به تدریج به سمت آگاهی بیشتر نسبت به آن پیش می‌رفتند، با حاکم بوشهر برای رقابت با کمپانی لینچ متحد شدند، اما از آنجایی که شرکت ناصری قدرت رقابت با لینچ را نداشت در ۱۸۶۳/۱۳۱۰ دست از فعالیت برداشت و امتیاز خود را به برادران لینچ واگذار کرد. البته بعدها دوباره شرکت ناصری احیا شد اما در عمل قدرت رقابت با کمپانی لینچ را نداشت.

## ۸- انجمن شرکت عمومی تجارتی

شرکت عمومی تجارتی برای ترویج متاع و زراعت تنباکو و توتون ممالک ایران در شعبان ۱۳۱۱/ فوریه ۱۸۹۴ در اصفهان به همت حاج محمدحسن امین‌الضرب، حاجی محمد صدر ملک التجار اصفهان با همکاری و موافقت ظل‌السلطان و صلاح‌الدوله امین‌السلطان و میرزا علی‌اصغرخان امین‌الدوله و پشتیبانی و مشارکت آقا محمدتقی نجفی، روحانی بانفوذ شهر تأسیس شد. سرمایه شرکت ۲ میلیون قران و هر سهم ۱۰۰۰ قران با سود سهام ۵ درصد بود.<sup>۴۳</sup> علت تأسیس این شرکت مبارزه با رژی فرانسه یا شرکت «تنیک» بود که امتیاز انحصاری خرید تنباکویی که از ایران وارد خاک عثمانی می‌شد را از دولت عثمانی گرفته بود. این امر منافع تجار ایرانی مقیم عثمانی را که در کار داد و ستد تنباکو بودند و تعداد آنها بالغ بر پانصد تن بود به خطر می‌انداخت.<sup>۴۴</sup> دولت ایران بی‌توجه به منافع تجار ایرانی قراردادی با رژی عثمانی منعقد کرد و ۲۵ سال انحصار تنباکوی صادراتی ایران در خاک عثمانی را به آنها داد.<sup>۴۵</sup> تجار مقیم کشور با تجار ایرانی ساکن استانبول همکاری کردند و حاج محمدحسن امین‌الضرب از سوی تجار طی مذاکراتی با امین‌السلطان خواست که دولت جلوی صدور تنباکوی شرکت رژی فرانسه به سرحد را بگیرد و رژی استانبول تنباکو را از تجار ایرانی بخرد و دولت ایران بر عوارض گمرک تنباکو بیفزاید که این امر موجب نفع دولت و ضرر رژی شده و باعث می‌گردد دست از این کار بکشد.<sup>۴۶</sup> ولی دولت به خواست تجار واقعی ننهاده، شاید به دلیل مبلغی که رژی فرانسه حاضر شد برای عدم سختگیری دولت ایران در حمل و نقل تنباکو به خاک عثمانی بپردازد.<sup>۴۷</sup> در واقع تأسیس این شرکت واکنشی بود از سوی تجار که دولت را حامی خود نیافتند. اما تعارضات درونی طبقه تجار مانع این امر شد و باعث گردید تجار ایرانی مقیم استانبول در مبارزه با رژی فرانسه همگام نباشند.

به‌رغم اعتراض تجار و تصمیم به بستن دکانها در مقابل عملکرد رژی، حاج محمد شفیع امین‌التجار با تعدادی از تجار یهودی و ارمنی متفق شده و امتیاز خرده‌فروشی تنباکو را خرید. این امر تعارض شدیدی بین تجار ایجاد کرد و میرزا شفیع و همکارانش مطرود و منفور شدند.<sup>۴۸</sup> علاوه بر اختلافات داخلی تجار، شرکت عمومی تنباکو در مبارزه با رژی فرانسه مشکلات زیادی داشت چراکه نمی‌توانست مانع فروش تنباکو به شرکت رژی در داخل ایران و حمل آن به عثمانی شود. از این‌رو پیشنهاد عدم فروش تنباکو به رژی را داد که امین‌الدوله این طرح را غیرعملی خواند. پیشنهاد دیگر خرید تنباکوی کاشان و شیراز و اصفهان بود که رژی نتواند خودسرانه مبادرت به خرید کند.<sup>۴۹</sup> مذاکراتی نیز با مدیر شرکت رژی انجام گرفت که آنان حاضر به همکاری و خرید از شرکت تنباکوی ایران نشدند و ابراز داشتند تجاری در داخل ایران هستند که حاضر به واسطه‌گری و همکاری با آنها هستند.<sup>۵۰</sup> رژی حتی برای جلب نظر دولت ایران حاضر به دادن رشوه شد و دولت را تهدید کرد در صورتی که تجار و شرکت تنباکو مانعی در صدور تنباکو به عثمانی ایجاد کنند، اقساط خود به دولت را قطع خواهد کرد.<sup>۵۱</sup> دولت در مقابل تهدیدها تسلیم شد. جناح‌هایی از تجار متوسط که توان مالی کمتری در خرید و فروش مستقل تنباکو داشتند به همکاری با رژی ادامه دادند و شرکت تنباکوی ایران در عمل ناتوان ماند. شاه طی بیانیه‌ای به شدت به شرکت تنباکوی ایران حمله کرد و اعمال آنها را «فضولی» دانست و از ظل‌السلطان خواست مانع فعالیت‌های آنان شود. وی «تجار و تنباکوفروش‌ها و توتون‌فروش‌های اصفهان» را عامل ایجاد فساد دانست.

امین‌السلطان نیز همکاری خود را با شرکت حاشا

۴۳- همان، ص ۲۶۵-۲۶۴.

۴۴- همان، ص ۲۱۰.

۴۵- ابراهیم تیموری، عصری خیری یا تاریخ امتیازات در ایران، اقبال، تهران، ۱۳۳۲، ص ۲۲۷.

۴۶- امین‌الضرب به امین‌السلطان، [مارس یا مه ۱۸۹۲]، (آر.ا.ض): نقل شده از هما ناطق، بازرگانان...، ص ۲۱۵.

۴۷- اعتمادالسلطنه، روزنامه، ص ۹۸۰.

۴۸- حاج محمدحسین آقا به امین‌الضرب، استانبول، ۳۰ شوال ۱۳۰۹/۲۷ مه ۱۸۹۲، نقل شده از ناطق، بازرگانان...، ص ۲۱۴.

۴۹- همان، ص ۲۶۹-۲۶۸.

۵۰- همان، ص ۲۷۱.

۵۱- اعتمادالسلطنه، روزنامه، ص ۹۸۰.

کرد. ناصرالدین شاه در نامه‌ای می‌نویسد: «حاجی محمدحسن را بخواهید و بگوئید در آن مقدمه رژی آن‌طور جمع شدید و تجار را جمع کردید و آن ضرر را به دولت زدید، بعد که دولت برای خود فکر محلی کرد و این قرار رژی اسلامبول را داد که اندکی جای ضرر دولت را پر کند حال این بازی را درآورده‌اید، خیلی به حاجی ضرب بزنید.»<sup>۵۲</sup> با وجود واکنش دولت در متوقف کردن فعالیت تجار و شرکت تنباکوی ایران، بعد از مدتی رژی فرانسه (عثمانی) دریافت که به تنهایی قادر به خرید و صدور تنباکوی ایران به استانبول نیست و چند ماه قبل از مرگ ناصرالدین شاه پیشنهاد همکاری با تجار معتبر ایران را دادند. حاج محمدحسن امین‌الضرب درصدد ایجاد مجدد شرکتی با سرمایه یک‌صد هزار لیره عثمان برآمد اما با مغضوب شدن امین‌الضرب کار شرکت نیز معوق ماند.<sup>۵۳</sup>

#### ۹- تجارتخانه جهانیان

یکی دیگر از مؤسسه‌های مالی که سرمایه‌داران زرتشتی ایرانی به وجود آوردند، بنگاه جهانیان بود. خسرو شاه جهان به همراه برادرانش پرویز، رستم و گودرز در سال ۱۳۱۲/۱۸۹۵ شرکتی برای کارهای تجارتمندی و صرافی در یزد تشکیل دادند. در آغاز، کار تجارتخانه صدور پنبه بود. از آنجایی که افراد این تجارتخانه زمینداری و کشاورزی آشنا بودند، از تقاضای جهانی برای صدور پنبه کمال استفاده را کردند، با گسترش و رونق تجارت به تدریج به سمت صرافی رو آوردند و بیجک\* این تجارتخانه رواج کامل یافت. شعبه‌هایی در شهرهای شیراز، کرمان، اصفهان، یزد، بندرعباس و دفاتری در هند، انگلستان و آمریکا داشت. علاوه بر نقل و انتقال پول در داخل کشور، به خرید و فروش ارز و برات، پرداخت وام به دولت و همکاری با امور خزانه کشور مسبادرت کرد. این تجارتخانه در فعالیتهای جنبش مشروطیت تلاش بسیار کرد. جواهرات سلطنتی برای دور ماندن از دسترس محمدعلی شاه نزد بهرام جهانیان به امانت گذارده شد. کمکهای مالی به مشروطه‌خواهان و همکاری در وارد کردن و ارسال اسلحه برای مجاهدین از دیگر کارهای این بنگاه بود. تلاشهای بسیاری از طرف این تجارتخانه با دیگر تجار پارسی برای تشکیل بانک ملی صورت گرفت ولی به دلیل رقابت و کارشکنی بانک‌های اروپایی، زمینه نابودی این تجارتخانه فراهم شد. بهرام جهانیان توسط صنایع حضرت کشته شد و خسرو شاه جهان نیز از جانب

شاه به لندن تبعید شد و در پی آن کار تجارتخانه در سال ۱۳۳۱/۱۹۱۳ متوقف گردید.<sup>۵۴</sup> بنگاههای مالی همچون جمشیدیان و جهانیان به لحاظ ممنوعیت‌هایی که در دین اسلام در مورد فرع پول وجود دارد از آزادی بیشتری برخوردار بودند هرچند تعصب‌های دینی متداول در آن زمان می‌توانست معامله و همکاری با زرتشتیان را بسیار تحت‌الشعاع قرار دهد.

#### ۱۰- کمپانی فارس

این شرکت را حاجی عبدالرحیم شیرازی، آقاشیخ ابوالقاسم، حاج محمد صالح و حاج عباس ترک (تاجرباشی روسیه در شیراز) به منظور عملیات صرافی و تجارت خارجی در شیراز تأسیس کردند. پس از مدتی مورد اعتماد تجار و مردم قرار گرفت. شرکت در حدود سال ۱۳۱۵/۱۸۹۷ بر وسعت عملیات خود افزود و به عنوان یک شرکت معتبر مطرح و شناخته شد. سرمایه اولیه شرکت ۵۰ هزار تومان بود ولی به تدریج با گسترش فعالیت با اروپا و تأسیس شعبه‌ای در بوشهر به سرمایه آن افزوده شد. شرکت برای انجام فعالیتهای خود بیجک‌هایی منتشر کرد که در شیراز و نواحی اطراف مانند اسکناس بانک شاهنشاهی رایج شد و هر روز سهام آن رو به ترقی بود. بانک شاهی دائم نسبت به رواج اوراق اعتراض می‌کرد.<sup>۵۵</sup> هرچند شرکت به دنبال رقابت با بانک بود ولی امتیاز نشر اسکناس و سرمایه زیاد بانک مانع موفقیت این‌گونه شرکتها یا بنگاههای مالی می‌شد که درصدد مقابله با هجوم سرمایه‌های خارجی بودند. اما این مؤسسات در مقابل فشارهای مالی و گاه سیاسی، بعد از مدتی مقاومت از بین می‌رفتند، همان‌طور که کمپانی فارس شکست خورد و از میان رفت.

۵۲- تیموری، عصری خبری یا...، ص ۲۳۰-۲۲۴.

۵۳- برای آگاهیهای بیشتر نگاه کنید به: ناطق، بازرگان...، ص ۲۸۱-۲۷۸.

\* بیجک: تکه کاغذی که روی آن نوع، جنس و مقدار آن را بنویسند و بر اساس آن کالا تحویل گرفته و رسید شود.

۵۴- این آگاهیها از منابع ذیل به دست آمده است: تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، ص ۵۰؛ احمد اشرف، موانع رشد سرمایه‌داری...، ص ۷۸؛ جهانگیر اشیدری، «سهام زرتشتیان و پارسیان در ایجاد بانک ملی در آغاز مشروطیت»، هجرت، دوره ۲۵ (سال ۱۳۵۳)، ص ۸.

۵۵- جسمالزاده، گنج شایگان، ص ۹۹-۹۸؛ اشرف، موانع،

ص ۷۷-۷۶؛ تاریخچه سی‌ساله بانک ملی ایران، ص ۵۲.